

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان ، می ۲۰۰۲م

رقص دیوانه

چنان در بند زلفت مرغ دل مستانه می رقصد
بساط شهرت حسن تو گرم است و گرفتاران
به این مستی اگر در گوشه میخانه راه افتد
مکن در کشتنم تاخیر ، تیغ ناز بالا کن
به بی دردی مرا از خویش می رانی نمی دانی
سرم از تن جدا کن ، شور جانبازی تماشا کن
سر گیسوی تو سرپنجه ام را عطر افشان کرد
به بزم پای می کوبند بی دردان و تو غافل

که پنداری به زنجیر جنون دیوانه می رقصد
اگر دیوانه ، می رقصد و گر فرزانه می رقصد
صرافی جام بر می دارد و پیمانه می رقصد
رگ گردن مرا زین شوق مشتاقانه می رقصد
کزین غم آشنا می گرید و بیگانه می رقصد
به زیر تیغ قاتل ، عاشق مردانه می رقصد
ازان برهر سر انگشت من انگشتانه می رقصد
«اسیر» بی سرانجام تو در ویرانه می رقصد

«اسیر» از پر فشانی های بسیار تو حیرانم

که تو قصد پریدن داری ، دام و دانه می رقصد